آپاندیس

میثم رضایی

اوضاع شلم شورباست

بنیاد امور بیماری‌های خاص داریم یعنی بیماری خاص داریم. پس بیمار خاص هم داریم. بیمارستان تخصصی خاص نداریـم. کادر درمانی خاص هم نداریـم. بودجه بیماران خاص داشـتیم که ابتدا در اختیار وزارت بهداشت بود. کسری بودجه که گویا سرجهازی سالیانه وزارت بهداشت است، آن موقع هم بود. آقایی که شـما باشید، شاید یادتان باشد و شاید هم نباشد؛ گفتند وزارت بهداشت این بودجه را به صورت کامل و صحیح صرف بیماران خاص نمی‌کند. کسـری می‌آورد و مجبور می‌شود از این بودجه خرج کنـد. چه کنیم چـکار کنیم؟ بودجه را بـه یک نفر دیگر مثل بیمـه خدمات درمانی (از زیـر مجموعه‌هـای وزارت رفاه) بدهیم. این شـد که مسـئولیت خرج کـردن این بودجه که امسـال ۲۳ میلیارد تومان بود، به سـازمان بیمه‌ای خدمات درمانی واگذار شد. چند روزی نگذشته بود که همه به این فکر افتادند ، بیماران خاصی که تحت پوشش خدمات درمانی نیستند، چکار کنند؟! باور کنید حتی امیرحسین رحمانی هم که هیچ‌وقت فکر نمی‌کند و همیشه می‌خندد، به این فکر افتاد ولی خیلی سریع از فکر خارج شـد. چرتکه‌هـا را ریختند روی میز حساب و کتاب، عقل‌ها را هم روی هم گذاشتند و به این نتیجه رسیدند که هفت درصد از این بودجه را به وزارت بهداشت برگردانند ولی برنگشت. حالا یا چیـزی از آن باقی نمانده بود که برگردد یا اینکه مسـئولین دیدند مورچه چیه که کله پاچه‌اش چی باشـه و بی‌خیال شـدند. این را ما نمی‌دانیم (من و شالبافان و بقیه بچه‌های تحریریه، حتی یاشا نهرینی و خانم زمانی که همه چیز را می‌دانند) امیدوار بودیم که برای بودجه سال ۸٦ یک فکر اساسی می‌شود و یک تصمیم درست مشخص می‌کند بیماران خاص چگونه از بودجه خود اسـتفاده خواهند کرد. زهی خیال باطل!

تاکنون هیچ تصمیمی گرفته نشده که هیچ؛ متمم بودجه سال ۸۵ هم شد قوز بالای قوز!

خبر

مهدیه آقازمانی

سالنامه ای برای تمام فصول

«سالنامه‌ها فرهنگ پز شکی مردم را بالا می‌برد و هر سـال تعداد مخاطبین آن بیشتر می‌شود» این جمله را یکی از مشـتریان سالنامه‌ها که به صورت ثابـت سـالنامه‌ها را خریداری می‌کنـد، می‌گوید. دکتر فاطمی توضیح می‌دهد سـالنامه‌ها هم به درد پزشکان می‌خورد و هم ا طلاعات پزشکی‌اش برای عموم مردم مناسب اسـت و کسانی که سالنامه را مطالعـه کردند، مطالبش را بسـیار مفید می‌دانند و تمام سالنامه‌های قدیمی را هم نگه می‌دارند.

دکتر می‌گوید ما از سال ٧٦ ـ ٧٥ این سالنامه‌ها را تهیه می‌کنیم و هر سال هم مطالبش پربارتر می‌شود.

خانـم قهرمانی مسـئول فروش سـالنامه‌های سـلامت می‌گوید: هدف ما از چاپ این سالنامه‌ها ارتقای سـلامت عمومی و اطلاع‌رسـانی پزشکی به افرادی اسـت که به نوعی با علوم پزشـکی در ارتباط هستند. ما هرسال سالنامه‌های جدیدی تولید می‌کنیم مثلاً امسال قرار است سالنامه‌ای منتشر کنیم که حاوی اطلاعات دندانپزشکی است. وی توضیح می‌دهد: ما هم سـالنامه‌های تخصصی داریم و هم سالنامه‌هایی که برای عموم مردم حاوی اطلاعات بسـیار مفیدی اسـت. اطلاعات مربوط بـه موارد آرایشی ـ بهداشتی، داروهای گیاهی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، طب تغذیه، طب ورزش و ... در واقع نمی‌شـود گفت که فقط سـالنامه است بلکه یک کتابچه بهداشتی اسـت. دکتر غروی نیز که حدود ٧ ـ ٦ سـال است که این سـالنامه‌ها را خریداری می‌کند، می‌گوید: پیام‌های پزشکی بهداشتی که در این سـالنامه‌ها هست به زبان ساده و روان است و مردم به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کنند و علاوه بر آن بسـیار مورد استفاده پزشـکان، پیراپزشکان و ماماهـا قـرار می‌گیرد. دکتر غروی نشـانی‌ها و تلفن‌هایی که در سـالنامه آمده است را نیز خیلی مفید می‌داند.این سـالنامه‌ها از سال ٧٦ منتشر شده و امسـال قرار است در ١٧ مدل مختلف در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد. سالنامه دندانپزشکی و علوم آزمایشگاهی سالنامه‌های جدیدی هستند که حاوی مطالب تخصصی در این زمینه است.

گفت وگو با دکتر محمد جوادنخعی ، ریاست شورای عالی سیاست گذاری صدا و سیما

اندیکاسیون‌های رسانه ملی

گفتگو: پیام کشاورز

اگر بگویم هر لحظه بمباران می شویم، چه فکری می کنید. همه مردم دنیا در هر کجایی که باشند فرقی نمی کنند. رسانه ها، همه افراد را مورد اصابت قرار می‌دهد. وقتی مقابل رسـانه‌ای قرار می گیرید، شاهد نمایشی می شوید که نمی توانید آن را تغییر دهید اما آن باعث تغییراتی در شـما می شـود. خواسته یا نا خواسته در هجوم رسـانه ها افراد بسـته به میزان خصوصیات فردی و اجتماعـی تأثیر می پذیرند، به خصوص در دنیای امروز که رسـانه ها به ویـژه رادیو و تلویزیون ابزاری به منظور شکل دهی تفکر و نگرش انسان ها به شمار می آیند. با توجه به چنین شرایطی نقش رسانه ملی در سلامت جامعه و برخورد با جامعه سلامت بسیار مهم است. به همین منظور با دکتر نخعی ریاست شورای عالی سیاست‌گذاری سلامت صدا و سیما درباره این موضوع گفتگویی ترتیب دادیم.

جناب آقـای دکتر نخعی سـؤال اول من در مورد جایگاه پزشـک در برنامه‌های رسـانه ملی اسـت. با توجه به تأثیر گذار بودن حرفه پزشکی در اجتماع، به نظر می رسد در برخی از برنامه ها به شـخصیت پزشکان توهین می شود، جنابعالی در این مورد چه نظری دارید؟

اعتقاد ما در رسـانه ملی درباره جایگاه پزشـک بر اسـاس این حدیث است که می فرماید: علم دو قسمت است یا علم ادیان یا علم ابدان. یعنی جایگاه پزشک در حد اعلای انسان قرار دارد. مدتی سیاست صدا و سیما بر این بود که در بعضی از بخش ها از نقش پزشک در برنامه های تلویزیونی استفاده نشود اما به دلیل اینکه پزشکان بر رفتار مردم تأثیر گذارند، در برنامه های مختلف از شخصیت پزشک استفاده می شود. هنگامی که پزشک یک نقش کامل در سریالی داشته باشد، اگر از ابتدا تا انتهای برنامه به نقش پزشک توجـه کنیم نقش او نقش مثبتی اسـت و تأثیرگذاری مثبتی دارد، هر چند ممکن است در مقاطعی از برنامه نقش او منفی باشـد. به عنوان مثال در سریالی که در ماه رمضان امسال از شبکه ۲ پخش شد، ابتدا همه فکر می‌کردند که پزشـک قاتل اسـت اما با اتـمام سریال متوجه شدیم که این طور نبوده است.

بر اسـاس آیه قرآن کل انسـان ها در خسران و زیان هسـتند و این امر ممکن است در پزشکان هم وجود داشـته باشـد. در مورد برخی از پزشکان که از مقام خود سـوء استفاده می کنند به خصوص در مورد جراحی های زیبایی برنامه هایی ساخته شده که رویکرد اطلاع رسـانی داشته و مخدوش کننده حرفه پزشکان نیست. بر اساس آمار تنها ۰/۵ درصد پزشکان ممکن است چنین وضعیتی داشته باشند اما با توجه به اینکه پزشکی حرفه ای حساس است این موضوع برای اجتماع، چشم‌گیر به نظر می رسد.

آقای دکتر یک پزشک به عنوان مخاطب بارها در برنامه های مختلف احساس می کند آنچه که می بیند برخلاف علم پزشکی است. در مورد این برنامه ها چه نظارت هایی وجود دارد؟

از سال ٧۵ به بعد رسانه ملی نسبت به برنامه‌های خود نگاه تخصصی بیشـتری داشته که این مربوط به همه حوزه های تخصصی اسـت. به تبع آن دید تخصصـی تر در زمینه پزشـکی نیـز در تولیدات صدا و سیما بیشـتر لحاظ می شود. بنابراین تاریخ تولید برنامه مهم اسـت. اگر تاریخ ساخت و پخش برنامه قبل از سـال ٧۵ باشـد، می تواند اشکالاتی وجود داشـته باشـد اما کم کم با گذشت زمان دید تخصصی بر سـاخت برنامه ها وارد شـده تا جایی که می توان گفـت اکنون در ٧٠ درصد برنامه های صدا و سـیما در زمینه محتـوای علمی آنها نظارت می شود. اگر مقایسه ای با برنامه های ۱۵ سال قبل داشـته باشیم، می توان اختلاف قابل ملاحظه ای را مشاهده کرد. به عنوان نمونه خود من به خاطر دارم در یکی از برنامه های قدیمی که بیمار در حال نفس کشـیدن بود، برای او عمل احیا انجام می شـد. تا کنون بخش زیادی از این اشـتباهات حذف شده و سـعی می‌کنیم برنامه‌هایی که با مسائل پزشکی در ارتباط است، مشاوره کارشناسی شود. اما در حدود ۳۰ درصد اشتباهاتی که در سریال‌ها وجود دارند را می پذیریم.

موضـوع دیگـری کـه در مـورد برخی از سـریال‌های تلویزیونـی وجـود دارد و با حرفه پزشـکی تداخل می کند، در مورد بیماری هایی با بقای (Survival) پایین است. این بیماری‌ها در سریال‌ها به اشکال اغراق آمیزی درمان شده و بیمار شـفا می یابد. آیا به نظر شما این امر تأثیر منفـی بـر روی جامعه در مورد درمان پزشـکی نخواهد گذاشت؟

در بسـیاری از بیماری های صعب العلاج مانند سرطان ها، مبحـث امید به زندگـی وجود دارد. اگـر فرد امیـد به زندگی داشته باشد و به این معتقد باشد که بالاتر از توان پزشـک توانی وجود دارد که تقدیر همه انسان ها در دست اوسـت، می تواند نتایج بهتری نسبت به آن چیزی که از نظر ما پزشـکان بر اساس بقا وجود دارد، حاصل شود. اگر بخواهیم خیلی بسـته به انسان نگاه کنیم، ۵۰ درصـد او روان اسـت و ۵۰ درصد جسم. جسـم همواره در حال تغییر اسـت در حالی که روان همواره ثابت بوده و تنها با گذشـت زمان بر آن افزوده می شود. امید به زندگی از روان انسان برمی‌انگیزد و روان بدون تأثیر بر جسم نیست. پزشک تنها جسم را درمان می کند و درمان او بر روی جسـم تأثیـری دارد و بر روان تأثیر نیست. بنابراین در بیماری هایی مانند سرطان که پزشـکی تا کنون درمان کاملی برای آن نداشته، اگربتوانیم امیـد به زندگی را در روان فرد تحریک کنیم و بر روان فرد تأثیر بگذاریم، میزان بقای بیمار مطمئناً تغییر خواهد کرد. به همین دلیل هدف، تأثیر بر روان افراد اسـت تا فرد امید به زندگی بیشـتری داشته باشد ولی هنوز رشد تهیه کنندگان برنامه ها به حدی نرسیده است که بتوانند این موضوع را بدون اغراق برای مخاطـب نمایش دهنـد و من انتقاد شما را به این نمایش های اغراق آمیـز قابل قبول می دانم امـا در کل با تقویت بعد روانی انسان ها می‌توان تأثیر مثبتی بر روی امید به زندگی در بیماران گذاشـت و از انحرافاتـی مانند انرژی درمانی و سـایر مقولاتی کـه در این زمینه وجـود دارد، جلوگیری نمود.

> **اعتقاد ما در رسانه ملی درباره جایگاه پزشک بر اساس این حدیث است که می‌فرماید: علم دو قسمت است یا علم ادیان یا علم ابدان.**
>
> **بیش از دو سوم تبلیغاتی که شرکت های مختلف به رسانه ملی ارائه می کنند به دلایل مختلف از قبیل سلامتی و فرهنگی رد می شود.**

بخشی از برنامه های رسانه ملی به صورت گفتگوی پزشکی است. برای این برنامه ها آیا مشخصاتی به منظور قابل فهم نمودن برای عموم و عدم تأثیر منفی بر جامعه پزشکی در نظر گرفته شده است؟

قبل از برنامه از این اساتید درخواست می شود تـا مطالب را برای فهم عموم رسـانه ای تر کنند و تا جایی که ممکن اسـت از اصطلاحات پزشـکی اسـتفاده نکنند. در دنیا آمار استفاده از اصطلاحات پزشـکی در برنامه های پزشکی ۸ درصد است که در برنامه های ما سعی می شود این میزان در حدود ۱۰ درصد باشـد. در بسیاری از این برنامه ها سعی شـده از مجری پزشک استفاده شود. مباحثی که در این برنامه ها مطرح می شود، به وسیله شورای عالی سیاست گذاری سلامت بر اساس نیاز های جامعه و سیاست‌های سلامت کشور تعیین می‌شود. بر اساس مطالعات انجام شده سطح آگاهی مردم از بیماری‌ها در میـزان جامعه به گونه قابل توجهی افزایش یافته اسـت که این نشـان‌دهنده تأثیر مثبت رسـانه ملی در این امر اسـت حتی وقتی که بیمار نزد پزشـک مراجعـه می‌کند، اطلاعات زیـادی دارد. این امر به خاطر اسـتفاده از اساتیدی است که مطالب را کاملاً به روز بیان می کنند و بعضی اوقات باعث می شود بیمار چیز هایی را بداند که برخی از پزشکان هنوز مطالعه نکرده اند.

با توجه به اینکه در پزشکی امروز نقش بیمار تأثیر بسـیاری در درمان دارد، بـرای اینکه افراد جامعـه در مورد نقش خود و پزشـک در درمان آگاه شوند چه برنامه هایی ساخته شده است؟

وقتی افـراد در مورد بیماری ها آگاهی داشـته باشند، بهتر می توانند با بیماری خود برخورد کنند. این بیماران دیگر از پزشـک انتظار معجزه ندارند و نقش خود را در درمان مؤثر دانسـته و به طور فعال مشـارکت می کنند. ۰/۵درصـد برنامه های صدا و سـیما در مورد نقش جامعه درباره سـلامت خود اسـت که رویکرد این برنامه‌هـا آموزش در جهت شرکت کردن فرد در سلامت خویش است. مسائلی از قبیل اسـتفاده از داروها و قطع نکردن یک دفعه داروها و اعتقاد بیمار به درمان پزشک، برنامه هایی است که در حال انجام است. به این خاطر که بیشتر پزشـکان بر مباحث بالینی تمرکز دارند، از اسـاتید کمتری می‌توان درمورد این مباحث استفاده کرد.

با توجه به اینکه نقش تغذیه سالم بر سلامت جامعـه غیر قابل انکار اسـت، چرا بخش زیادی از این تبلیغات مربوط به محصولاتی می شـوند که ارزش غذایی پایینی داشـته و برای سـلامت جامعه مضر هستند؟ حتی برخی از این تبلیغاتِ از ترفند های غیر اخلاقی استفاده می کنند. مثلاً در تبلیغ یک چیپس آمده است که می توان از کیک شـکلاتی و خیلی از دوستی ها گذشت اما از آن چیپس نگذشت ....

در مـورد بحث تبلیغات بایـد گفت که بیش از دو سوم تبلیغاتی که شرکت های مختلف به رسانه ملی ارائه می کنند به دلایل مختلف از قبیل سلامتی و فرهنگی رد می شود. این تبلیغات باید یک سری معیار هایی را داشته باشند تا اجازه پخش در رسانه ملی را پیدا کننـد. در بخش تبلیغات مواد غذایی و بهداشتی سـازمان نظام پزشکی به ما دستورالعملی داده که ما بر اساس آن عمل می کنیم. درست است که برخی از محصولات تغذیه ای ارزش چندانی در سلامت جامعه ندارند. این نوع تبلیغات درتمام دنیا مرسوم است اما در عوض رسانه ملی در برنامه های دیگر خود سـعی می کند الگوی مناسب تغذیه ای را ارائه کند. ما در سـال گذشته ۲۷۲۵ دقیقه برنامه تصویـری و ۷۲۰۹ دقیقه برنامه رادیویی در مبحث تغذیه داشتیم که ۵ درصد کل برنامه های رسانه ملی را تشکیل می‌دهد.

اگر تبلیغی در مورد نوشـابه های گازدار وجود دارد برنامه های زیادی نیز در مورد ارزش شـیر در رسانه ملی انجام شده است. رویکرد رسانه ملی در مورد بسـیاری از عادات تغذیه ای جامعه سـازنده بوده، به عنوان مثال در مورد مبحث نان سالم رسانه ملی برنامه های خوبی داشـته است. حذف جوش شـیرین و شـناخت نان سـالم که هر چه سبوس بیشتری داشـته باشد و پخت آن بیشتر طول بکشد سـالم تر اسـت از جمله این برنامه ها بوده است. همچنیـن در مبحث روغن های مصرفی، توصیه به اسـتفاده از روغن هایی با میزان اسید چرب ترانس پایین شده است.

پیشرو

آیدا اقصایی

سنت پسندیده سحرخیزی

« پدرم هیچ میراثی برای من به‌جای نگذاشـت، مگر سنت پسـندیده سـحرخیزی.» « دکتر ویلیام اسـتوکس» با گفتن چنین عبارتی در حق پدر خود بی‌انصافی می‌کند، پـدرش هر میراثی را که پدری می‌توانسـت برای فرزندی به‌جا بگـذارد، برای او به‌جا گذاشـت، از تربیت خانوادگـی و اصالت و احترام اجتماعی گرفته تا نعمت داشتن یک خانواده روشـنفکر، ثروت و حتی نبـوغ خانوادگی. از پدر ویلیـام تا دو نسـل بعد از او، همگی از پزشـکان سرشـناس ایرلند بودند؛ گرچه این باعث نشد که ویلیـام را از کودکی درگیر کتاب و مدرسـه کنند، تربیـت اجتماعی و مذهبـی او برای پدرش خیلی مهم‌تر بود.

پدر ویلیام، خود کلیسای ارتودوکس را به پیروی از«کشیش جان واکر» ترک‌کرده و به فرقه واکریت ملحق‌شـده‌بود. همین اعتقادات غیر ارتودوکسـی باعث‌می‌شد که احساس‌کند محیط دوبلین مناسب تربیت فرزندش نیست. با این مقدمه بود که ویلیام تا ١٦-١۵ سالگی در تپه‌های سرسبز « بالنتیر» دنبال پروانه‌ها می‌گشت و اشعار« والتر اسکات» را زیر لب زمزمه‌می‌کرد، اشعاری که از « کشیش واکر» آموخته بود. وقتی ویلیام به دوبلین بازگشت، منزلشان پاتوق روشنفکران و آزادی‌خواهان ایرلند بود ولی ویلیام شاعر مسلک فارغ از تمام این افکار، به آزمایشگاه پـدر می‌رفت و با او مریض ویزیت می‌کرد. گرچه علاقه چندانی هم به پزشـکی نداشت. حتی در ١٧ سـالگی که به صرافت تحصیل آناتومی وارد کالج جراحی ایرلند شـد، فهمید که به شـیمی بیشـتر علاقمند است ولی ٢ سال شـیمی نخوانده‌بود که ژن خانوادگی طبابت در او فعال شـد و به پزشکی تغییر رشته داد. به این ترتیب در سن ٢١ سالگی از دانشـگاه ادینبورگ مدرک دکترایش را گرفت و تا سـال ١٨٧٨که در سن ٧٤ سالگی درگذشت، تمام عمر خود را وقف طبابت کرد.

او به‌اتفاق هم‌وطن معاصرش « دکتر رابرت آدامز» اولین مورد « سندرم استوکس ـ آدامز» را معرفی‌کرد و حدود ۹ سـال بعد، در کتاب « بیماری‌های قلب و آئورت» به‌تفصیل به توضیح آن پرداخت. از دیگر تألیفات او« تشخیص و درمان بیماری‌های قفسه سینه» است، کتابی که در آن« تنفس شین ـ استوکس» برای نخستین بار مورد بحث‌قرار گرفته‌است. با وجود این پزشکان امروز ایرلند او را نه به‌خاطر تألیفاتش بلکه به‌دلیل تغییراتی که در شیوه آموزش پزشکی ایجاد کرد، می‌شناسـند. او همچنین گوشی پزشکی را به مدارس طب ایرلند معرفی‌کرد و اولین متن انگلیسی را در این زمینه به‌چاپ‌رساند. استوکس اولین کسی بود که بر ضرورت معاینه بالینی برای یک قضاوت و تشـخیص صحیـح پافشـاری‌کرد. او معتقد بود دانشـجویان پزشکی باید با کار کردن در بیمارستان و حضـور در بخش، تجربه بالینی به‌دسـت آورند؛ هیچ بعید نیسـت که ایـن جمله معروفش در باب سـحرخیزی را هم از همین بابت به دانشجویانش گفته‌باشد.

کاریمدیکاتور

میثم جوادی

با قلم سیگار روی سینه‌ام عکس جمجمه کشیدم.

مرگ روبان قرمزی اسـت که عزرائیل در خط پایان زندگی بسته است.

تا فردا یک نردبان روز و یک تونل شـب دیگر فاصله است.

گل‌یخ وقتی تب کرد، مرد!

عاشق سلول مهربانی هستم که بدون هیچ چشمداشتی به ویروس‌های آواره پناه می‌دهد.

آدم خوشـبخت کسی است که در ٢٠ سالگی BMW داشته باشد و در نود سالگی، HIV

***

– مامان جون، چرا توی بهشـت نه کسی مریض میشه و نه می‌میره؟

– چون اونجا دکتر نداره.

***

ماهـی نگون‌بخت محکوم اسـت تا تمام زمسـتان را زیریخ‌هـای دریاچـه، آب خنک بخورد.

غدیر می نگریست

گرد فانوس تو گشتن کار هر پروانه نیست
نقش دیوار است اینجا شهر روح‌الامین
سرفراز از اول نام تو عرش ذوالجلال
روشن از خورشید رویت نرگس عین‌الیقین
هیچ تعریفی ترا زین به نمی‌دانم که شد
در تو پیدا گوهر پاک امیرالمؤمنین
در بیابان طلب یک العطش گوی تو خضر
در حریم قدس، یک پروانه‌ات روح‌الامین
نقطه بسم‌اللهی دیوان موجودات را
در سواد توست علم اولین و آخرین

***دیروز منزل استاد بسـیار شلوغ بود. بیشتر افراد آمده بودند تا برای جشن غدیر، کتاب و جزوه‌های خطابه را سفارش دهند. بعضی‌ها هم برای روز یا شب جشن به سخنران نیاز داشتند. استاد با دیدن ما از آنها دعوت کرد که در کلاس درس نیم‌ساعته ما حضور یابند. آنگاه پس از قرائت مقداری از خطابه، بار دیگر موضوع اهمیت تبلیغ و معرفی خطابه را گوشزد کردند و افزودند: نگرش دقیق و کارشناسانه به واقعه عظیم «غدیر»، اهتمام به بررسی علمی و تاریخی مباحث قبل و بعد از آن و همچنین تحلیل و مطالعه متن خطابه که هم حاوی یک دوره جامع و فشرده از علوم و معارف اسلامی است و هم سند محکم و غیرقابل انکار در یک اقدام رسمی (به فرمان الهی) برای معرفی جانشینان و خلفای بعد از پیامبر اکرم (ص) است، همه و همه اهمیت پرداختن به واقعه غدیر و پیام خطابه را بیشتر می‌کند. آری این امر ضرورت اهتمام علما و فضلا و صاحبان قلم را می‌طلبد تا هر کس به فراخور حال، زاویه‌ای از این واقعه را مورد مطالعه و کنکاش قرار دهد. به هر حال زمینه برای تحقیق و تکمیل مطالب غدیر بسیار فراوان است. از این رو لازم است که ابعاد مختلف این واقعه مورد بررسی و موشکافی دقیق‌تر قرار گیرد ولی قبل از اینکه امروز به ادامه خطابه بپردازیم، جا دارد که از خود سؤال کنیم، در شرایطی که در قوانین اسلامی برای ادعای یک مطلب، از وجود دو شاهد به عنوان سند و مدرک و ادله محکم در اثبات آن موضوع استفاده می‌شود، چگونه است که در «واقعه غدیر» که بیش از یکصد هزار (در برخی اسناد تا یکصد و بیست هزار نفر نام برده‌اند) شاهد عینی از مسلمانان و بزرگان صحابه در آن حضور داشته‌اند و پس از آن همگی با رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین با دست و زبان بیعت نموده‌اند، با کمال تأسف ملاحظه می‌شود که بسیاری از مسلمانان از این واقعه عظیم و خطابه آن بی‌اطلاع هستند. در اینجا بد نیست اشاره نمایم که استاد فاضل جناب آقای محمدباقر انصاری در کتاب «خطابه غدیر در آئینه اسناد» نزدیک به ١٧٠ سند معتبر از صحابه و کتب اهل سنت و قریب به ۶۰ سند از کتب شیعی ارائه کرده‌اند و اکنون بار دیگر یادآوری می‌نمایم پیام رسول خدا (ص) در غدیر را که فرمودند:«فیبلغ الحاضر الغائب و الوالد الولد الی یوم القیامه .... پس باید که حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا قیامت این پیام را برسانند ....»**

و اما ادامه خطابه:«هشدار که من وظیفه خود را ادا کردم. هشدار که من آنچه بر عهده‌ام بود ابلاغ کردم و به گوشتان رساندم و روشن نمودم. بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم. هشدار که هرگز به جز این برادرم کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود. هشدار که پس از من امارت مؤمنان برای کسی جز او روا نباشد». پس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود آگاه باشید آنکه من سرپرست اویم پس این علی سرپرست اوست! خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

هان مردمان! این علی است برادر و وصی و نگهبان دانش من. و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد. همانا اوست جانشین رسـول‌الله و فرمانروای ایمانیان و پیشـوای هدایتگر از سـوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان‌شکنان و روگردانان از راستی و درستی و به دررفتگان از دین پیکار کند. خداوند فرماید: «فرمان من دگرگون نخواهد شد». پرورد گارا! اکنون به فرمان تو چنین می‌گویم:

خداوندا دوسـتداران او را دوسـت بدار و دشـمنان او را دشـمن دار. پشـتیبانان او را پشـتیبانی کن. یارانش را یاری نما، خودداری کنند گان از یاریش را به خود رها کن. ناباورانش را از مهرت بران و بر آنان خشـم خود را فرود آور. معبودا تو خود در هنگام برپا داشـتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که: «امروز، آیین شـما را به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم». «و آن که به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر، در شمار زیانکاران خواهد بود». خداوندا تو را گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان رسـاندم. هان مردمان! خداوند عزَّ و جل دین را با امامت علی تکمیل فرمود. اینک آنان که از او و جانشـینانش از فرزندان من و از نسـل او «تا برپایی رسـتاخیز و عرضه بر خدا» پیروی نکنند، در دو جهان کرده‌هایشـان بیهوده بوده در آتش دوزخ، ابدی خواهند بود، به گونه‌ای که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.

برای تهیه کتاب ، CD و بسته های مربوط به خطبه غدیر با شماره ۲۲۷۴۱۱۶۷ - ۰۲۱ تماس حاصل فرمایید